

Reproduction of Islamic Identity for Transcendent Governance: An Analysis of the Rhetorical Mechanisms of Religious Orators and Maddahs

Morteza Nesari¹, Seyyed Reza Hosseini²,
Mehdi Nazemi Ardakani³, Abbas Babaei⁴

Abstract

This study aims to investigate the role of religious orators and maddahs in linking Islamic identity with transcendent governance and to analyze the rhetorical mechanisms influencing this process. Employing the Grounded Theory method, data were collected through interviews with 35 orators and maddahs and field observations of hey'ats, coded within a paradigmatic model (causal conditions, context, intervening conditions, strategies, and consequences). The findings reveal three structural gaps: a theory-practice divide in governance, fragmented rhetoric, and threats to legitimacy, necessitating the reproduction of Islamic identity. Effective strategies include pattern-based narrative construction (reinterpreting the governance model of the Imams), internalization of values (transforming justice into a criterion for evaluating rulers), and connective discourse-building (linking religious concepts to contemporary issues), contingent upon orators' expertise in the jurisprudence of governance and institutional support. The study concludes that systematic application of these mechanisms aligns identity with governance, producing an indigenous governance model, while neglect of this approach may exacerbate legitimacy crises.

Keywords: Transcendent Governance, Islamic Identity, Rhetorical Mechanisms, Religious Orators, Maddahs

-
1. Corresponding author, PhD student in Strategic Cultural Management, National Defense University, Tehran, Iran
 2. Assistant Professor, Department of Strategic Cultural Management, Faculty of Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran
 3. Associate Professor, Department of Strategic Cultural Management, Faculty of Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran
 4. PhD in Cultural Systems Engineering, Imam Hossein (AS) University. Tehran. Iran

بازتولید هویت اسلامی برای حکمرانی متعالی؛

تحلیل ساز و کارهای رتوریک مداحان و سخنرانان مذهبی

مرتضی نثاری^۱، سیدرضا حسینی^۲، مهدی ناظمی اردکانی^۳، عباس بابایی^۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش سخنرانان مذهبی و مداحان در پیوند هویت اسلامی با حکمرانی متعالی و واکاوی سازکارهای رتوریک تأثیرگذار بر این فرایند، با بهره‌گیری از «روش نظریه داده‌بنیاد»، داده‌ها را از طریق مصاحبه با ۳۵ خطیب و مداح و مشاهده میدانی از هیئت‌های مذهبی، گردآوری و در قالب الگوی پارادایمی (شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) شناسه‌گذاری کرد. یافته‌ها نشان از وجود سه گسست ساختاری در حوزه نظریه - عمل حکمرانی، پراکندگی رتوریک و تهدید مشروعیت دارد که نیاز به بازتولید هویت اسلامی را ایجاب می‌کند؛ راهبردهای تحقق‌بخش این هدف شامل روایت‌پردازی الگومحور (بازخوانی سیره حکومتی ائمه)، درونی‌سازی ارزش‌ها (تبدیل عدالت به شاخص ارزیابی حکمرانان) و گفتمان‌سازی پیونددهنده (اتصال مفاهیم دینی به مسائل روز) است که موفقیت آن‌ها به مهارت سخنرانان در فقه حکمرانی و حمایت نهادی متکی است. نتیجه‌گیری این پژوهش حاکی است که به‌کارگیری نظام‌مند این سازوکارها به همسویی هویت و حکمرانی منجر می‌شود و الگوی بومی حکمرانی را تولید می‌کند، درحالی‌که غفلت از این رویکرد می‌تواند بحران مشروعیت را تشدید کند.

واژگان کلیدی: حکمرانی متعالی، هویت اسلامی، سازوکارهای رتوریک، سخنرانان مذهبی، مداحان.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
nesari.morteza@gmail.com

۲. استادیار، گروه مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
naseh_rahegh@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
mnazemi32@yahoo.com

۴. دکتری مهندسی سیستم‌های فرهنگی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران
babaeabbas54@gmail.com

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران بر پایه آرمان‌هایی مانند عدالت، معنویت، استقلال و پیشرفت هم‌زمان بنا شده است؛ آرمان‌هایی که تحقق آن مستلزم تثبیت و بازتولید مداوم هویت اسلامی اصیل در بطن جامعه است. این هویت شامل ارزش‌ها، مفاهیم و الزامات حکمرانی متعالی اسلامی، از طریق منابع فرهنگی - مذهبی مانند محافل، حسینیه‌ها، مداحان و سخنرانان مذهبی به صورت درونی و جمعی در جامعه تداعی می‌شود و تأثیر عمیقی بر وجدان و رفتار توده‌های مردم دارد. با این حال، در عرصه عمل، گسست‌ها، ناکارآمدی‌ها و تناقض‌هایی در پیوند هویت اسلامی با حکمرانی متعالی مشاهده می‌شود که مشروعیت و کارآمدی نظام را به چالش می‌کشد. محتوای خطابه‌ها و مراثی، با وجود ظرفیت زیاد خود، اغلب فاقد چارچوب مفهومی یکپارچه و همسو با نیازهای پیچیده حکمرانی نوین است و کلی‌گویی، احساس‌گرایی صرف یا بازخوانی‌های متناقض مفاهیمی مانند عدالت، ولایت و تکلیف اجتماعی می‌تواند به انفعال اجتماعی یا مطالبات مبهم منجر شود. نبود درک دقیق از سازوکارهای رتوریک تأثیرگذار مداحان و سخنرانان مذهبی، فرصت تاریخی بازتولید هویت اسلامی را به تهدیدی برای مشروعیت نظام تبدیل می‌کند.

مداحان و سخنرانان مذهبی، به واسطه گستره نفوذ و ارتباط عمیق با لایه‌های گوناگون جامعه، ظرفیت بی‌بدیلی برای ایجاد پیوند مؤثر میان مردم و حاکمیت از طریق رتوریک مذهبی دارند. این رتوریک، که در قالب خطابه‌ها و مراثی تجلی می‌یابد، می‌تواند با انتقال منسجم و هدفمند مفاهیم بنیادین حکمرانی متعالی اسلامی، به بازتولید هویت اسلامی و همسوسازی آن با اهداف گام دوم انقلاب یاری رساند.

همان‌گونه که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تأکید کرده‌اند: «این پدیده (مداحی) درخور کار علمی است؛ یعنی واقعاً جا دارد دانشجویان ما، اساتید ما، محققین ما بنشینند و روی این پدیده فکر کنند؛ کار کنند؛ هم تفسیر و تحلیل کنند، هم راه‌های علمی گسترش این را به ما نشان بدهند و یاد بدهند... خیلی پدیده مهمی است» (بیانات، ۱۳۹۵/۰۱/۱۱). این تصریح، علاوه بر بیان ارزش علمی و تحلیلی مداحی و سخنرانی مذهبی، بر ضرورت بهره‌گیری راهبردی از این ظرفیت برای کاهش شکاف‌های موجود در اجرای سیاست‌های کلان و تسهیل فرایندهای حکمرانی دلالت دارد. استفاده

هدفمند از این نهادهای دینی به‌عنوان پل ارتباطی میان ارزش‌های دینی و نیازهای عملی مدیریتی، می‌تواند عامل کلیدی در همسو ساختن رتوریک^۱ مذهبی با اهداف کلان نظام باشد.

بررسی نقش مداحان و سخنرانان مذهبی در بازتولید هویت اسلامی، به‌عنوان پیش‌شرط تحقق حکمرانی متعالی، از آن جهت اهمیت دارد که خطابه‌ها و مرثیاتی آن‌ها بر وجدان و رفتار جمعی جامعه تأثیر مستقیم دارد. نبود تحلیل نظام‌مند سازوکارهای رتوریکی این کنشگران در پیوند ارزش‌های دینی با الزامات پیچیده حکمرانی، خطر ناکارآمدی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی - مذهبی و تشدید چالش‌های مرتبط با مشروعیت و سرمایه اجتماعی را به‌همراه دارد.

هدف این پژوهش، بازتعریف روند بازتولید هویت اسلامی به‌عنوان نیروی محرک تحقق حکمرانی متعالی اسلامی است، با این پرسش اصلی که: «سخنرانان و مداحان مذهبی از طریق چه سازوکارهای رتوریکی می‌توانند بازتولید هویت اسلامی را به‌گونه‌ای عملیاتی کنند که مستقیماً زمینه‌ساز، توجیه‌کننده و مطالبه‌گر تحقق حکمرانی متعالی اسلامی در جمهوری اسلامی ایران شود؟»

مبانی نظری پیشینه‌شناسی

در مطالعات اخیر، نقش نهادهای دینی و کنشگران مذهبی در تقویت هویت اسلامی و پشتیبانی از حکمرانی متعالی، با تمرکز بر سازوکارهای رتوریکی و فرهنگی آن‌ها، به‌طور گسترده بررسی شده است. در ادامه، مرور مختصری از پژوهش‌های مرتبط با موضوع این پژوهش، یعنی سازوکارهای رتوریکی مداحان و سخنرانان مذهبی در بازتولید هویت اسلامی برای حکمرانی متعالی، ارائه می‌شود.

کفیلی و بهروزی‌فرد (۱۴۰۴) نشان می‌دهند که روحانیت در قالب چهار گروه اصلی، از طریق رویکردهای گفتاری، نوشتاری و رفتاری و با استفاده از ابزارهایی مانند تریبون‌ها، رسانه‌ها و حضور مردمی، در گفتمان‌سازی حکمرانی عادلانه نقش‌آفرینی می‌کنند و هماهنگی این گروه‌ها برای موفقیت

۱. رتوریک (Rhetoric) به هنر یا تکنیک استفاده از زبان برای اقناع و تأثیرگذاری بر مخاطب اشاره می‌کند. رتوریک مذهبی بیشتر بر شیوه‌های بیانی، سبک‌های کلامی و ابزارهای زبانی (مانند خطابه‌ها، مداحی‌ها و یا سخنرانی‌های مذهبی) تمرکز دارد که برای انتقال پیام‌های دینی به‌کار می‌رود. رتوریک به جنبه‌های عملی و تکنیکی بیان (مانند انتخاب کلمات، لحن و ساختار ارائه) توجه دارد، نه لزوماً محتوای کلان ارزشی یا نظام فکری.

این فرایند ضروری است. این یافته‌ها با تأکید این پژوهش بر نقش هماهنگ‌شده کنشگران دینی در تقویت حکمرانی هم‌راستا است.

شریفی‌فرد و لطیفی (۱۴۰۳) عوامل موفقیت مساجد در حوزه تربیتی را شامل رهبری اسوه، نظام کادرسازی و تعاملات نهادی می‌دانند. این نتایج به‌صورت غیرمستقیم با این پژوهش هم‌خوانی دارد؛ زیرا هر دو بر نقش نهادهای دینی در تأثیرگذاری فرهنگی - تربیتی و بازتولید هویت اسلامی در راستای اهداف حکمرانی متعالی تأکید می‌کنند.

فروهی و عبداللهی (۱۴۰۳) نقش روحانیت را در تمدن‌سازی اسلامی از طریق ابزارهایی مانند بصیرت‌افزایی، مطالبه‌گری، ساختارسازی، گفتمان‌سازی و نظارت راهبردی بررسی کرده‌اند. تعامل فعال روحانیون با اقشار گوناگون و جلب حمایت دولت، نشر فرهنگ اسلامی و تحقق سبک زندگی اسلامی - ایرانی را به‌عنوان عاملی تحول‌آفرین در نظام دینی - حکومتی تقویت می‌کند که با موضوع این پژوهش در زمینه نقش کنشگران دینی هم‌سو است.

رشیدی آل هاشم (۱۴۰۲) بر نقش روحانیت در ترویج یکتاپرستی، پیوند با پیامبری حضرت محمد(ص) و انتقال معارف و احکام دینی به‌عنوان عاملی کلیدی در شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کند. این موضوع، با تمرکز این پژوهش بر نقش سخنرانان مذهبی در تقویت هویت اسلامی از طریق رتوریک هم‌راستا است.

جوکار و انواری (۱۴۰۲) سرود «سلام فرمانده» را به‌عنوان یک رتوریک معتبر بررسی کرده‌اند که با مضمون‌های «وحدت ایمانی»، «تمدن مهدوی» و «عمل صالح»، هویت دینی و همبستگی مهدوی را تقویت می‌کند. این یافته‌ها به‌صورت غیر مستقیم با این پژوهش مرتبط است؛ زیرا نقش رتوریک مذهبی در پیشبرد ارزش‌های فرهنگی - دینی برای حکمرانی متعالی را نشان می‌دهد.

پابرجا و مقصودی (۱۴۰۰) نفوذ اجتماعی مداحان و شاعران آیینی را بررسی کردند و تأثیر آن‌ها را در تحولات سیاسی با حمایت برخی لایه‌های قدرت برجسته می‌کنند؛ هرچند نبود انسجام در سیاست‌ورزی این گروه گاه به تنش‌هایی منجر شده است. این موضوع با بررسی نقش رتوریکی مداحان در این پژوهش هم‌خوانی دارد و بر لزوم راهبردهای منسجم تأکید می‌کند.

استادیان خانی و مولوی وردنجانی (۱۳۹۹) حوزه علمیه را به‌عنوان منبع اصلی تولید معرفت اسلامی معرفی کردند و تلفیق دانش و معنویت را به‌عنوان هسته اصلی اندیشه آیت‌الله

خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برجسته می‌کنند. نقش محوری حوزه در بازتولید تمدن نوین اسلامی با تأکید این پژوهش بر پشتیبانی نهادی از بازتولید هویت اسلامی هم‌سو است.

نوری گلجایی و همکاران (۱۳۹۸) نقش بنیادی روحانیت در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی را از دید بیانیه گام دوم انقلاب بررسی کردند و خودسازی و جامعه‌سازی را به‌عنوان وظایف اصلی روحانیت در تحقق ارزش‌های اسلامی معرفی می‌کنند. این موضوع با تأکید این پژوهش بر نقش کنشگران دینی در هم‌سویی هویت و حکمرانی هم‌خوانی دارد.

این پژوهش‌ها در مجموع بر نقش کلیدی نهادهای دینی و کنشگران مذهبی، از جمله روحانیت، مساجد و مداحان، در بازتولید هویت اسلامی و پشتیبانی از حکمرانی از طریق سازوکارهای رتوریک و فرهنگی تأکید می‌کنند. این پژوهش با تمرکز ویژه بر راهبردهای رتوریک مداحان و سخنرانان دینی، مدلی فرایندمحور برای عملیاتی‌سازی نقش آن‌ها در تحقق حکمرانی متعالی در چارچوب گام دوم انقلاب ارائه می‌کند.

با وجود پژوهش‌های پیشین، تاکنون مطالعه‌ای نظام‌مند درباره سازوکارهای رتوریک مداحان و سخنرانان مذهبی در بازتولید هویت اسلامی به‌عنوان پیش‌شرط حکمرانی متعالی انجام نشده است. این پژوهش با رویکردی نوآورانه، به تحلیل مفاهیم محوری، روایت‌های مذهبی و الگوهای زبانی خطابه و پیوند آن‌ها با مباحث حکمرانی می‌پردازد. بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری معاصر در گفتمان‌شناسی و ارتباطات راهبردی، امکان تبیین ابعاد چندگانه ارتباط رتوریک دینی را با حکمرانی فراهم می‌کند. نوآوری پژوهش در ارائه چارچوبی بومی برای کاربرد عملی مفاهیم دینی در حکمرانی فرهنگی است که می‌تواند شناخت چالش‌ها و فرصت‌های بازتولید هویت اسلامی را تعمیق بخشد و راهکارهایی تحول‌آفرین برای حوزه مطالعات دینی و حکمرانی ارائه کند.

مفهوم‌شناسی

رتوریک مذهبی: رتوریک مذهبی به استفاده هدفمند از ابزارهای بیانی، روایی و زبانی توسط کنشگران دینی، مانند سخنرانان و مداحان، برای انتقال مفاهیم و ارزش‌های اسلامی و تأثیرگذاری بر باورها و رفتارهای جمعی اشاره می‌کند. این مفهوم شامل راهبردی‌های خطابی مانند روایت‌پردازی، نمادسازی و پیوند ارزش‌های دینی با مسائل اجتماعی است که در بستر آیین‌های مذهبی، هویت دینی را تقویت، و به هم‌سوسازی آن با اهداف حکمرانی متعالی کمک می‌کند. بر اساس تعریف

اوبرایان^۱ (۲۰۱۸)، رتوریک مذهبی «فرایندی ارتباطی است که از نمادها و روایت‌های دینی برای ایجاد معنا و انگیزش جمعی استفاده می‌کند» و در پیوند نهادهای دینی با ساختارهای اجتماعی - سیاسی نقش کلیدی دارد. در این پژوهش، رتوریک مذهبی به‌عنوان سازوکاری محوری برای بازتولید هویت اسلامی و تقویت مشروعیت نظام در راستای تحقق حکمرانی متعالی در نظر گرفته شده است.

حکمرانی متعالی: حکمرانی به‌عنوان فرایندی چندبعدی تعریف می‌شود که از طریق هماهنگی مؤثر بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، شرایط لازم برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان را در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌آورد. این فرایند با افزایش کارایی دستگاه‌های اداری و تصمیم‌گیری‌های قانونمند، ضمن تأکید بر مشارکت فعال و مسئولانه افراد، اصول عدالت، شفافیت و پاسخگویی، بستر توسعه پایدار را رقم می‌زند. از سوی دیگر، نظریه حکمروایی مطلوب بر اهمیت محوری مشارکت مردم به‌عنوان عامل و واسطه توسعه تأکید می‌کند؛ بدین معنا که مردم نه تنها ذی‌نفع، بلکه بازیگر اصلی در شکل‌دهی به سیاست‌های پیشرفت‌محور هستند. این دیدگاه، به انتقال ارزش‌های بومی و پیشرفت‌کمک می‌کند و زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی و بهبود شرایط زندگی در چارچوب یک نظام ارزشی و اخلاقی می‌شود (دکر و کمپن^۲، ۲۰۰۴: ۴۵). درنهایت، اصطلاح «حکمرانی خوب» که از اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده است، با معیارهایی همچون مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثربخشی، کارایی و مسئولیت‌پذیری، روابط میان دولت و کنشگران جامعه مدنی را تعریف می‌کند. در واکنش به محدودیت‌های این دیدگاه، مفهوم «حکمرانی سالم» ظهور یافت که بر سازمان‌دهی نظام حکومتی بر اساس آداب و رسوم بومی با محوریت رفاه عمومی تأکید می‌کند.

اما «حکمرانی متعالی» شیوه‌ای از حکمرانی را تبیین می‌کند که بر مبنای یک نظام ارزشی الهی - همچون ارزش‌های اسلامی - بنا شده، و هدف آن دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی یا حتی گسترده‌تر است. از دید نظریه حکمرانی متعالی، حکومت ذاتاً از آن خداوند است و تنها خداوند به تعیین حکم بر انسان قادر است؛ از این‌رو، مشروعیت حکمرانان مشروط به تزکیه نفس و داشتن مقبولیت است به‌گونه‌ای که تنها آنان می‌توانند مجری دقیق و صحیح

1. O'Brien
2. Dekker & Kempen

احکام الهی باشند. در این نظام، تنظیم روابط، تبعیت و فعال‌سازی ظرفیت‌های کنشگران و ذی‌نفعان، بر اساس هدایت الهی و اراده مردمی شکل می‌گیرد (محمودی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۳).

نهادهای دینی - مذهبی و حکمرانی: روحانیت و مداحان به‌عنوان نهادهای دینی - مردمی ریشه‌دار در جامعه اسلامی، فراتر از مناسک عبادی، نقش محوری در حکمرانی متعالی ایفا می‌کنند. در نظام‌های سیاسی مدرن که بر مشارکت مردمی تأکید می‌کنند، این گروه‌ها می‌توانند به‌عنوان واسطه‌ای میان مردم و حاکمیت رفتار کنند و زمینه تعامل و ارتباط مستمر میان شهروندان و نهادهای تصمیم‌گیر را فراهم آورند؛ این نقش با مفاهیم حکمرانی مشارکتی همخوانی ویژه‌ای دارد که بر کنشگری فعال مردم، تنظیم‌گری اجتماعی، ارائه خدمات عمومی و تقویت مشروعیت سیاسی تأکید می‌کند (التشول و کورائل، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، روحانیت و مداحان از طریق بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات مردمی، اطلاعات را در سطح جامعه منتشر، و مشارکت مؤثر شهروندان را در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی آسان می‌کنند. به‌ویژه در جوامعی که برای مدیریت اجتماعی بر نهادهای غیر رسمی و ساختارهای مردمی تأکید می‌کنند، این گروه‌ها می‌توانند در کاهش فاصله دولت - ملت، ارتقای نظم اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی نقش کلیدی داشته باشند (کومبا، ۲۰۱۴). علاوه بر این، حکمرانی اسلامی نه از طریق دستورات متمرکز، بلکه از طریق خلق زیست‌بوم‌های معنا‌ساز تحقق می‌یابد. در این چارچوب، گروه‌های مردمی مانند روحانیت و مداحان با استفاده از سرمایه نمادین دینی مانند آیین‌های عاشورایی و روش‌های خودسازمان‌دهی، به بازوی اجرایی حکمرانی تبدیل شده‌اند که نقش مهمی در تغییر مردم از «مصرف‌کننده پیام» به «تولیدکننده گفتمان» دارند. نمونه این فرایند از طریق خودمردم‌نگاری و مطالعه موردی بنیاد خاتم‌الاولیاء (ع) و جامعه ایمانی مشعر به اثبات رسیده است (حسین‌آبفروش، ۱۴۰۳). اگرچه برخی برداشت‌های نادرست درباره نقش این گروه‌ها به‌دلیل ساختار غیررسمی شان مطرح می‌شود، نظریه‌های حکمرانی مشارکتی نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری و مردمی‌بودن روحانیت و مداحان، از عوامل اصلی موفقیت در تأمین نیازهای اجتماعی است (گنجی و همکاران، ۱۴۰۰). درنهایت، این گروه‌ها با ایفای نقش میانجی اجتماعی، کاهش شکاف بین دولت و ملت، ترویج توسعه پایدار، تقویت مشارکت سیاسی و افزایش امنیت فرهنگی، چارچوب مناسبی را برای تحقق حکمرانی متعالی در نظام اسلامی فراهم

1. Altschule & Corrales
2. Camba

می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که از طریق شکل‌دهی بسترهای رتوریک و ایجاد فضای تنظیم اجتماعی، امکان تحقق عدالت و انسجام اجتماعی مهیا شود (هالم^۱، ۲۰۱۸)؛ لذا هیئت‌ها، به‌عنوان نهادهای مردمی با ریشه‌های عمیق فرهنگی - دینی، از طریق فعالیت مداحان و سخنرانان، بستری برای انتقال ارزش‌های اسلامی، انسجام اجتماعی و ترویج مفاهیم عدالت‌محور فراهم می‌کنند. (مظاهری، ۱۳۸۹: ۲۵۰). این نهادها با هدایت افکار عمومی و سازمان‌دهی آیین‌های دینی، به‌صورت غیرمستقیم پیوندی راهبردی میان حوزه‌های فرهنگی و حکمرانی ایجاد، و به تحقق اهداف حکمرانی متعالی کمک می‌کنند. هیئت‌ها با ساختار مبتنی بر دوگانه واعظ و ذاکر، نه تنها معارف دینی را منتقل می‌کنند، بلکه با سامان‌دهی نظم اجتماعی و تقویت ارتباطات میان مردم و نهادهای حکمرانی، در تنظیم‌گری اجتماعی و مشروعیت‌بخشی نقش کلیدی ایفا می‌کنند (بابایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۱). از سوی دیگر روحانیت و مداحان نیز به‌عنوان کنشگران محوری نهادهای دینی - مردمی ریشه‌دار در جامعه اسلامی، از طریق خطابه‌ها، آموزش‌های دینی و حضور اجتماعی، ارزش‌های اسلامی مانند عدالت و مسئولیت‌پذیری را تبیین، و به‌عنوان پلی راهبردی میان جامعه و حاکمیت رفتار می‌کنند. (زاده باقری، ۱۳۹۹). این گروه‌ها با بهره‌گیری از تریبون‌های رسمی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، مشارکت مردمی را در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی آسان می‌کنند و به تقویت هویت دینی، انسجام اجتماعی و مشروعیت نظام کمک می‌کنند (حاجی‌تبار فیروزجایی، ۱۳۹۸).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد نظریه داده‌بنیاد^۲ و بر اساس روش سامانمند اشتراوس و کوربین^۳ (۱۹۹۸) انجام شده است. هدف اصلی، کشف الگوهای حکمرانی اسلامی مبتنی بر نقش هیئت‌های مذهبی و ارائه الگوی نظری از تعامل این نهادها با ساختار حاکمیتی است. فرایند پژوهش شامل چندین مرحله است که هر کدام برای گردآوری، تحلیل و اعتبارسنجی داده‌ها از روش‌های کیفی و نظام‌مند بهره‌برداری کرده است (می و پوپ^۴، ۲۰۰۰).

-
1. Halim
 2. Grounded Theory
 3. Strauss & Corbin
 4. Mays & Pope

در این پژوهش، ابتدا داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۳۵ نفر از فعالان هیئت‌ها، مداحان، سخنرانان مذهبی، مسئولان نهادهای فرهنگی و استادان حوزه حکمرانی، به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و نظری جمع‌آوری شد. این رویکرد بنیادین، زمینه لازم برای بازتولید هویت اسلامی در چارچوب حکمرانی متعالی را فراهم کرده و به تحلیل دقیق سازوکارهای رتوریک مداحان و سخنرانان مذهبی در تدوین الگوی حکمرانی مورد نظر پرداخته است؛ همچنین مشاهده‌های میدانی در پنج هیئت مذهبی در شهرهای گوناگون، امکان تحلیل رفتار و سازوکارهای عملیاتی این نهادها را فراهم ساخت. نمونه‌گیری نظری با تمرکز بر حداکثر تنوع (شامل هیئت‌های سنتی، مدرن، شهری و روستایی) تا زمان اشباع نظری ادامه یافت. فرایند تحلیل داده‌ها از طریق شناسه‌گذاری به دو مرحله باز و محوری انجام شد؛ در شناسه‌گذاری باز، بیش از ۳۵۰ شناسه اولیه استخراج شد؛ سپس شناسه‌ها در قالب مقوله‌های مشخص دسته‌بندی شد.

سرانجام، شناسه‌گذاری انتخابی انجام شد تا روابط میان مقوله‌های شناسایی شده به‌طور نظام‌مند تحلیل شود. به‌منظور اعتبارسنجی، شناسه‌های استخراج‌شده توسط دو پژوهشگر مستقل بازبینی و الگوی نهایی با داده‌های جدید مقایسه شد. بهره‌گیری از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای^۱ در مدیریت و طبقه‌بندی داده‌های کیفی، امکان تحلیل دقیق روابط میان مفهوم‌ها را فراهم ساخت؛ همچنین اساس ارائه الگوی نظری از تأثیر هیئت‌های مذهبی بر نظم اجتماعی، مشروعیت نظام اسلامی و مشارکت مردمی در حکمرانی را فراهم آورد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

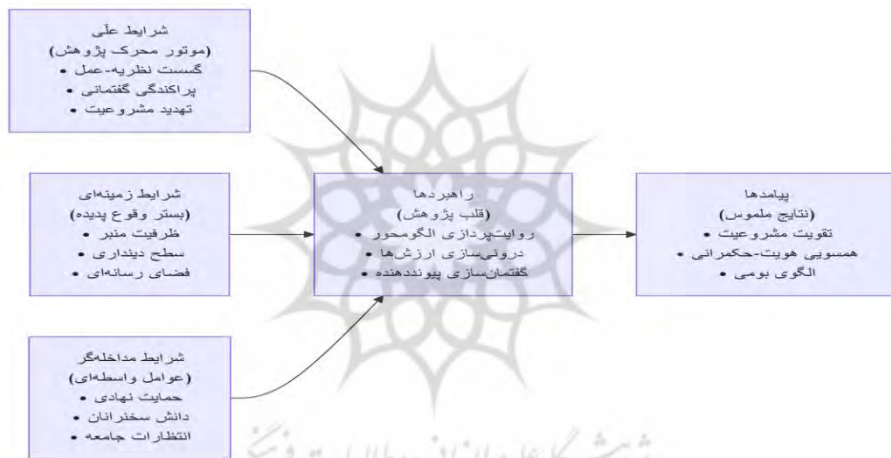
تجزیه و تحلیل داده‌ها

الگوی پارادایمی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد، در مسیر علی، از شرایط علی تا پیامدها را با تمرکز بر سازوکارهای رتوریکی مداحان و سخنرانان مذهبی در بازتولید هویت اسلامی برای حکمرانی متعالی ترسیم می‌کند. این چارچوب، روابط میان شرایط علی (گسست نظریه - عمل، پراکندگی رتوریک، تهدید مشروعیت)، شرایط زمینه‌ای (ظرفیت منبر، دینداری جامعه، فضای رسانه‌ای رقابتی)، شرایط مداخله‌گر (حمایت نهادی، دانش سخنرانان، انتظارات جامعه)، راهبردها و پیامدها را تحلیل می‌کند.

جدول ۱. مقوله‌های پارادایمی و شناسه‌های انتخابی و محوری

مقوله	شناسه‌های انتخابی	شناسه‌های محوری
۱. شرایط علمی	۱.۱. گسست نظریه - عمل حکمرانی	شکاف عدالت محسوس؛ ناکارآمدی در شفافیت و مبارزه با فساد؛ احساس فاصله ارزشی بین مردم و حکمرانان؛ انتظارات برآورده نشده گام دوم انقلاب
	۱.۲. پراکندگی تئوریک مذهبی	تناقض در روایت‌های ارزشی (عدالت، ظلم‌ستیزی)؛ کاهش مفاهیم حکمرانی به شعائر؛ غلبه احساس‌گرایی بر تحلیل ساختاری؛ ناهماهنگی در تبیین «تکلیف اجتماعی»
	۱.۳. تهدید مشروعیت نظام	کاهش سرمایه اجتماعی؛ گسترش گفتمان‌های بدیل/ انتقادی؛ بی‌اعتمادی به نهادها؛ خطر انفعال سیاسی - اجتماعی
۲. شرایط زیبایی	۲.۱. ظرفیت تاریخی - فرهنگی منبر و مداحی	نهاد ریشه‌دار در زیست‌یوم ایرانی - اسلامی؛ دسترسی گسترده به اقشار گوناگون؛ سرمایه عظیم عاطفی و اعتماد؛ پیوند ارگانیک با آیین‌ها (محرّم، رمضان)
	۲.۲. سطح دینداری و هویت‌پذیری جامعه	عمق نفوذ گفتمان مذهبی؛ حساسیت به مفاهیم دینی (عدالت، شهادت)؛ آمادگی برای الگوبرداری از اسوه‌ها؛ ظرفیت بسیج‌پذیری بر پایه ارزش‌ها
	۲.۳. فضای رسانه‌ای و رقابت تئوریک	گسترش فضای مجازی و تأثیرپذیری؛ هجوم گفتمان‌های سکولار/ غربی؛ رقابت نهادهای فرهنگ‌ساز؛ ضرورت جذابیت‌سازی پیام
۳. شرایط مداخله‌گر	۳.۱. میزان حمایت/کنترل نهادی	سیاست‌گذاری واحد مراجع نظارتی؛ سطح استقلال عمل سخنرانان؛ وجود/عدم وجود چارچوب‌های راهنما؛ سازوکارهای نظارت مردمی
	۳.۲. دانش و بینش حرفه‌ای سخنرانان	عمق فهم فقه حکمرانی اسلامی؛ آگاهی از مسائل پیچیده حکمرانی؛ مهارت گفتمان‌سازی مدرن؛ توانایی تحلیل سیاسی - اجتماعی
	۳.۳. انتظارات و فشارهای جامعه‌محور	مطالبه عدالت‌طلبی از پایین؛ مقاومت در برابر تغییر روایت‌های سنتی؛ تأثیرپذیری از فضای مجازی؛ همسویی/تعارض با گفتمان نخبگان
۴. راهبردها	۴.۱. روایت‌پردازی الگومحور (نظریه‌پردازی روایی)	بازخوانی الگوی حکمرانی امام علی (ع) در خطبه‌ها؛ تبیین سیره حکومتی ائمه به‌مثابه «نظریه عملیاتی»؛ پیوند اسوه‌های مذهبی (حضرت زینب، اباعبدالله) با مفاهیم حکمرانی؛ روایتگری موفقیت‌های حکمرانی انقلاب با ادبیات حماسی - عرفانی
	۴.۲. درونی‌سازی ارزش‌های حکمرانی (سازوکار هویتی)	تبدیل «عدالت» از شعار به ارزش هستی‌ساز؛ تبیین «مبارزه با فساد» به‌مثابه تکلیف دینی؛ پیوند «شهادت‌طلبی» با «مسئولیت‌پذیری اجتماعی»؛ معنا‌سازی «پیشرفت علمی» در چارچوب تمدن‌سازی اسلامی
	۴.۳. گفتمان‌سازی پیونددهنده (همسوسازی کلان)	اتصال مفاهیم کربلا به «مبارزه با فساد اداری - اقتصادی»؛ تبیین «ولایت‌پذیری» به‌مثابه پشتیبانی از حکمرانی عادلانه؛ تبدیل «انتظار فرج» به «مطالبه‌گری فعال برای حکمرانی مطلوب»؛ تحلیل مسائل روز (تورم، دیپلماسی) در چارچوب گفتمان «حکمت و عزت اسلامی»
۵. پیامدها	۵.۱. تقویت مشروعیت حکمرانی	افزایش سرمایه اجتماعی نظام؛ کاهش گفتمان‌های معارض؛ نهادینه‌سازی «مطالبه‌گری اصلاحی»؛ مقبولیت سیاست‌های کلان در افکار عمومی
	۵.۲. همسویی هویت - حکمرانی	تبدیل ارزش‌های اسلامی به شاخص ارزیابی حکمرانان؛ کاهش شکاف تئوریک بین نهادها، دینی و اجرایی؛ شکل‌گیری «وجدان جمعی» ناظر بر عملکرد حکومت؛ درونی‌سازی «حکمرانی متعالی» به‌مثابه بخشی از هویت اسلامی
	۵.۳. الگوی بومی حکمرانی	تدوین چارچوب نظری «گفتمان‌سازی مذهبی برای حکمرانی»؛ ارائه الگوی عملیاتی به نهادها، فرهنگی؛ توانمندسازی سخنرانان به‌عنوان «نظریه‌پردازان میدانی»؛ ایجاد بانک روایت‌های موفق بومی

این الگوی پارادایمی، به‌طور جامع نشان می‌دهد که چگونه شرایط بحرانی (علی) در یک بستر مشخص (زمینه‌ای)، تحت تأثیر عوامل واسطه (مداخله‌گر) و از طریق اعمال هدفمند راهبردهای رتوریک، به نتایج مطلوب (پیامدها) منجر می‌شود. در این الگو، کانون توجه راهبردها به‌عنوان سازوکارهای رتوریک که به‌طور مستقیم از سؤال اصلی پژوهش برآمده است و دیگر مقوله‌ها را به هم پیوند می‌دهد، نشان‌دهنده نوآوری و کاربردی بودن چارچوب ارائه‌شده است. از سوی دیگر، این الگو با تأکید بر ظرفیت‌های بومی و ساختارهای منحصر به فرد جمهوری اسلامی، نه تنها زمینه نظری برای نقش نهادهای گفتمانی در حکمرانی ایجاد می‌کند، بلکه نقشه راه عملیاتی به‌منظور حل مسائل پیچیده حکمرانی، مانند بحران مشروعیت را نیز عرضه می‌کند.



شکل ۱. الگوی پارادایمی مقوله‌ها

یافته‌های پژوهش

این تحلیل بر مبنای روابط علی - فرایندی میان مقولات پژوهش و مستندسازی دقیق بر اساس شناسه‌های محوری انجام شده است. هسته مرکزی تحلیل، پدیده «سازوکارهای رتوریک بازتولید هویت اسلامی برای حکمرانی متعالی» است که دیگر مقولات پیرامون آن سازماندهی می‌شود و به یکدیگر پیوند می‌یابد.

۱. زنجیره علیت از شرایط علی تا پدیده محوری: در این تحلیل، شرایط علی، شامل گسست نظریه - عمل، پراکندگی رتوریک و تهدید مشروعیت، به‌عنوان عوامل محرک، قبضه‌ای اساسی بر

بروز پدیده محوری دارد. برای مثال، شناسه محوری «شکاف عدالت محسوس» (شناسه ۱.۱.۱) همراه با «کاهش سرمایه اجتماعی» (شناسه ۱.۳.۱)، آشکارا بیانگر نیاز به بازتولید هویتی است که بتواند «عدالت را به ارزش هستی‌ساز تبدیل کند» (شناسه ۴.۲.۱) و سرانجام به «تولید مشروعیت فعال» منجر شود (شناسه ۵.۱.۴)؛ به عبارت دیگر، از دید روابط علی، شرایط علی تشریح می‌کند که غفلت از پرداختن به پدیده محوری، مستقیماً با تشدید بحران‌های حکمرانی همراه خواهد بود.

این زنجیره علیتی نه تنها نشان‌دهنده اهمیت عوامل زمینه‌ای در شکل‌گیری سازوکارهای رتوریک است، بلکه ضرورت بازتعریف و بازتولید هویت اسلامی را به‌عنوان عامل اصلی بهبود نظام حکمرانی متعالی برجسته می‌کند.

۲. تأثیر دوگانه شرایط زمینه‌ای: توانمندسازی \neq محدودسازی؛ این بخش نشان می‌دهد که شرایط زمینه‌ای به‌عنوان بستری دوگانه رفتار می‌کند، به طوری که هم می‌تواند توانمندساز، و هم محدودکننده باشد. از یک سو، عامل «سرمایه عظیم عاطفی منبر» (۲.۱.۳)، بستری مناسب برای تحقق راهبرد «روایت‌پردازی الگومحور» (۴.۱) فراهم می‌کند که به تقویت قدرت رتوریک نهادهای مذهبی کمک می‌کند. از سوی دیگر، «هجوم گفتمان‌های سکولار» (۲.۳.۲) چالشی جدی برای اجرای راهبرد «گفتمان‌سازی پیونددهنده» (۴.۳) ایجاد می‌کند. یافته کلیدی نشان می‌دهد که موفقیت پدیده محوری مستلزم تبدیل تهدیدهای زمینه‌ای به فرصت است؛ به‌عنوان مثال، «رقابت نهادهای فرهنگ‌ساز» (۲.۳.۳) الزام‌آور استفاده از راهبرد «جذابیت‌سازی پیام با ادبیات حماسی» (۴.۱.۴) می‌شود.

۳. شرایط مداخله‌گر: عامل تعیین‌کننده در کیفیت پدیده محوری این مقوله به‌عنوان متغیری تعدیل‌گر بر کیفیت و کارایی پدیده محوری رفتار می‌کند. به‌عنوان مثال، عمق فهم فقه حکمرانی توسط سخنرانان (شناسه ۳.۲.۱) به‌عنوان عامل تقویت‌کننده، امکان تبیین سیره حکومتی ائمه (شناسه ۴.۱.۲) را فراهم می‌کند؛ در برابر، مقاومت در برابر تغییر روایت‌ها (شناسه ۳.۳.۲) می‌تواند به‌عنوان عامل تضعیف‌کننده، در پیوند «انتظار فرج» با «مطالبه‌گری» (شناسه ۴.۳.۳) اختلال ایجاد کند؛ همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حتی در شرایطی که راهبردهای رتوریک مطلوب به‌کار گرفته شده است، نبود چارچوب‌های راهنما (شناسه ۳.۱.۳) می‌تواند سبب کاهش مفاهیم حکمرانی به‌صورت شعائری و سطحی (شناسه ۱.۲.۲) شود. این نتایج نشان می‌دهد که عوامل مداخله‌گر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سرانجام در تعیین میزان موفقیت پدیده محوری در بازتولید هویت اسلامی برای حکمرانی متعالی تأثیرگذار است.

۴. **پدیده محوری:** هسته پژوهش؛ بر اساس تحلیل داده‌ها، پدیده محوری (یعنی بازتولید هویت اسلامی در چارچوب حکمرانی متعالی) زمانی تحقق می‌یابد که دو فرایند کلیدی به‌طور هم‌زمان اجرا شود: تبیین سیره حکومتی ائمه (شناسه ۴.۱.۲) و تبدیل عدالت به ارزش هستی‌ساز (شناسه ۴.۲.۱). این ترکیب به کاهش شکاف رتوریک میان نهادها (شناسه ۵.۲.۲) و ارزیابی حکمرانان بر مبنای شاخص‌های اسلامی (شناسه ۵.۲.۱) منجر می‌شود که به‌عنوان شاخص‌های ملموس تحقق پدیده محوری تلقی می‌شود.

جدول ۲. ساختار درونی پدیده محوری

سازوکار رتوریک	کارکرد در بازتولید هویت	پیوند با حکمرانی
روایت‌پردازی الگومحور (۴.۱)	ساختن الگوی ذهنی «حکمران آرمانی»	تبدیل نظریه به «الگوی عملیاتی» (۴.۱.۲)
درونی‌سازی ارزش‌ها (۴.۲)	ایجاد وجدان جمعی ناظر	تولید «مطالبه‌گری اصلاحی» (۵.۱.۳)
گفتمان‌سازی پیونددهنده (۴.۳)	معناسازی مسائل روز با مفاهیم دینی	تحلیل تورم در چارچوب «حکمت اسلامی» (۴.۳.۴)

۵. **پیامدها:** تجلی عینی تحقق پدیده محوری؛ این مقوله نشان‌دهنده نتایج ملموس اجرای موفق راهبردهای رتوریک است که به تحقق پدیده محوری منجر می‌شود. رابطه علی مستقیم بین راهبردهای موفق و تحقق پیامدها به‌گونه‌ای است که اقدامات کلیدی به‌طور هم‌زمان، آثار مثبتی در سطح نظام حکمرانی به‌همراه دارد. به‌عنوان مثال، راهبرد «پیوند کربلا با مبارزه با فساد» (شناسه ۴.۳.۱) به‌صورت مستقیم به نهادینه‌سازی مطالبه‌گری منجر (شناسه ۵.۱.۳) شده است؛ همچنین راهبرد «معناسازی پیشرفت علمی در تمدن‌سازی» (شناسه ۴.۲.۴)، سبب شکل‌گیری الگوی بومی حکمرانی (شناسه ۵.۳.۴) شده است.

افزون بر این، رابطه بازخوردی میان پیامدها و دیگر مقولات نیز مشخص شده است؛ به‌طوری‌که افزایش سرمایه اجتماعی (شناسه ۵.۱.۱) با کاهش فشارهای جامعه‌محور بازدارنده (شناسه ۳.۳) و در نتیجه تقویت راهبردها (مقوله ۴) بهبود می‌یابد. این ساختار بازخوردی نشان می‌دهد، هرچه راهبردهای رتوریک به‌طور موفقیت‌آمیزی اجرا شود، پوشش‌دهی سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود و فشارهای منفی ناشی از انتظارات جامعه کاهش می‌یابد که نتیجه آن ارتقای پیوسته پدیده محوری و تجلی عینی آن در نظام حکومتی است.

۶. **الگو و نظریه نهایی پژوهش:** نظریه نهایی پژوهش استدلال می‌کند که گسست سه‌گانه در نظام حکمرانی (شکاف نظریه - عمل، پراکندگی رتوریک مذهبی و تهدید مشروعیت) در بستر تاریخی - فرهنگی منبر و فضای رسانه‌ای رقابتی، بازتولید هدفمند هویت اسلامی را به‌مثابه بنیاد حکمرانی متعالی به ضرورتی حیاتی تبدیل می‌کند. در این فرایند، مداحان و سخنرانان مذهبی با به‌کارگیری سه سازوکار رتوریک کلیدی:

۱. روایت‌پردازی الگومحور (بازخوانی سیره حکومتی ائمه علیهم‌السلام)
 ۲. درونی‌سازی ارزش‌ها (تبدیل مفاهیمی مانند عدالت به شاخص‌های حکمرانی)
 ۳. گفتمان‌سازی پیونددهنده (اتصال مضمون‌های دینی به مسائل روز)
- در صورتی که از حمایت نهادی و دانش تخصصی فقه حکمرانی بهره‌مند باشند، می‌توانند هویت اسلامی را به‌گونه‌ای بازتولید کنند که زمینه‌ساز، توجیه‌گر و مطالبه‌گر حکمرانی متعالی شود. پیامد این فرایند، ایجاد همسویی ارگانیک بین هویت و حکمرانی، تقویت مشروعیت نظام و تولد الگوی بومی حکمرانی‌سازی است که به‌طور بازخوردی، بحران‌های اولیه را ترمیم می‌کند.

۲. **خطر تخفیف پدیده محوری به شعائر:** در شرایطی که «سیاست‌گذاری واحد نهادها» (شناسه ۳.۱.۱) برقرار نباشد، احتمال وقوع «روایت‌های کاهش‌یافته» (شناسه ۱.۲.۲) بیشتر می‌شود. این نشان می‌دهد بدون چارچوب‌های راهنمای مؤثر، مفاهیم حکمرانی به سطوح سطحی شعاری کاهش می‌یابد و ارزش اصلی پدیده محوری تخلیه می‌شود.
۳. **نقش حیاتی مداحان به‌عنوان «نظریه‌پردازان میدانی»:** تحلیل نشان می‌دهد موفقیت در به‌کارگیری راهبردهای رتوریک مستلزم داشتن «مهارت گفتمان‌سازی مدرن» (شناسه ۳.۲.۳) و «تحلیل مسائل روز» (شناسه ۴.۳.۴) است. در نتیجه، این ترکیب می‌تواند به «تدوین چارچوب نظری گفتمان‌سازی» (شناسه ۵.۳.۱) منجر شود که نقش مداحان را به‌عنوان محور نظری تبیین می‌کند.
۴. **معیار سنجش موفقیت پدیده محوری:** تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد تبدیل «انتظار فرج» از مفهوم انتزاعی به «مطالبه‌گری فعال برای حکمرانی متعالی» (شناسه ۴.۳.۳)، به‌عنوان شاخص موفقیت پدیده محوری به‌شمار می‌رود؛ در این راستا، خروجی عینی آن «مقبولیت سیاست‌های کلان» (شناسه ۵.۱.۴) است که به‌عنوان معیاری کلیدی در بهبود نظام حکومتی رفتار می‌کند.
- یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پدیده محوری، یعنی بازتولید هویت اسلامی در قالب حکمرانی متعالی، تنها در صورتی به پیامدهای مطلوب دست می‌یابد که راهبردهای رتوریکی (مقوله ۴) در چارچوب بستر فرهنگی - رسانه‌ای (مقوله ۲) توسط سخنرانان توانمند (به‌ویژه شناسه ۳.۲) و با پشتیبانی نهادی (شناسه‌های ۳.۱) به‌طور هدفمند بحران‌های علی (مقوله ۱) را هدف قرار دهند. این الگوی فرایندمحور مبتنی بر ۴۸ شناسه محوری و روابط علی بین شش مقوله، هم‌پاسخگوی سؤال اصلی پژوهش است و هم چارچوبی برای عملیاتی‌سازی نقش سازنده مداحان در گام دوم انقلاب به‌شمار می‌آید. نوآوری نظری پژوهش در ارائه الگوی «حکمرانی تقویت‌شده با رتوریک مذهبی» به‌عنوان حلقه مفقوده نظریه‌های حکمرانی اسلامی مشهود است؛ زنگ هشدار نهایی این است که غفلت از «سازوکارهای بازتولید هویت» (پدیده محوری) می‌تواند به تداوم «گسست نظریه - عمل» (شناسه ۱.۱) و «فرسایش مشروعیت» (شناسه ۱.۳) منجر شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه‌گیری

این پژوهش با تمرکز بر سازوکارهای رتوریک مداحان و سخنرانان مذهبی، چارچوبی فرایندمحور برای بازتولید هدفمند هویت اسلامی و پیوند آن با الزامات حکمرانی متعالی ارائه کرده است. این چارچوب نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت حکمرانی در نظام اسلامی، مستلزم هم‌افزایی میان ظرفیت‌های فرهنگی، نهادی و فردی، و بهره‌گیری هوشمندانه از گفتمان‌های مذهبی در عرصه عمومی است.

الگوی «حکمرانی رتوریک» که در این پژوهش تبیین شد، به‌عنوان حلقه مفقوده میان نظریه‌های حکمرانی اسلامی و الزامات عملی آن رفتار می‌کند و مسیر تبدیل ارزش‌ها و مفاهیم دینی به شاخص‌های عینی حکمرانی را ترسیم می‌کند. این الگو بر ضرورت هم‌سویی نهادهای دینی و حاکمیتی، انسجام گفتمانی و ارتقای مهارت‌های ارتباطی و تحلیلی کنشگران مذهبی تأکید می‌کند تا از این طریق، هویت اسلامی نه تنها به‌عنوان میراث فرهنگی، بلکه به‌مثابه نیروی محرک تحول حکومتی بازتولید شود. این پژوهش بر این نکته محوری تأکید می‌کند که تحقق حکمرانی متعالی در نظام اسلامی، بدون بازآفرینی پیوسته هویت دینی در قالب سازوکارهای رتوریک کارآمد و متناسب با شرایط زمانه، امکان‌پذیر نخواهد بود. استمرار این فرایند، نه تنها به تقویت مشروعیت و انسجام اجتماعی می‌انجامد، بلکه ظرفیت نظام را برای پاسخگویی به چالش‌های پیچیده و متغیر آینده نیز افزایش می‌دهد.

ب) پیشنهادها

- برای نهادهای حاکمیتی: «تدوین سند راهبردی برای تقویت رتوریک مذهبی» مبتنی بر تبیین سیره حکومتی ائمه (ع) و تحلیل مسائل روز، با هدف یکپارچه‌سازی فعالیت‌های پراکنده و ارائه رویکردی عملیاتی در راستای اهداف گام دوم انقلاب. این سند می‌تواند با یکپارچه‌سازی فعالیت‌های پراکنده کنونی و ارائه رویکردی عملیاتی، نقش مداحان و سخنرانان مذهبی را در بازتولید هویت اسلامی و همسویی با اهداف گام دوم انقلاب تقویت کند. با توجه به ماهیت این سند به‌عنوان بخشی از مهندسی فرهنگی، که محاسن (تقویت هویت و هماهنگی ارزش‌ها) و معایب احتمالی (خطر تحمیل یا مقاومت اجتماعی) دارد، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های تکمیلی برای طراحی دقیق سازوکارهای اجرایی انجام شود.

- **زیرساخت‌های پشتیبان:** راه‌اندازی دانشگاه تخصصی منبر برای تربیت سخنرانان مسلط به فقه حکمرانی و مهارت‌های گفتمان‌سازی نوین و ایجاد بانک داده ملی خطبه‌های تأثیرگذار به‌منظور شبکه‌سازی روایت‌های موفق.

- **برای مداحان و سخنرانان:** بازنگری محتوای مرثیه‌ها به‌گونه‌ای که «شهادت‌طلبی» با «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» پیوند یابد؛ بهره‌گیری از پیوند عاشورا با مبارزه با فساد به‌عنوان گفتمان تحولی و ارائه شاخص‌های عینی برای تبدیل «عدالت» از یک شعار به ارزش هستی‌ساز.

- **برای حوزه پژوهش:** طراحی شاخص‌های سنجش تأثیرگذاری راهبردهای رتوریک بر شناسه‌های پیامدی مانند «مطالبه‌گری اصلاحی» و «وجدان جمعی ناظر» به‌منظور ارزیابی کمی و کیفی نتایج.

سپاسگزاری

نویسندگان، مراتب سپاس و قدردانی خود را از فصلنامه حکمرانی متعالی و داوران محترم آن ابراز می‌دارند که با نقدها و پیشنهادهای سازنده خود به بهبود کیفیت مقاله کمک کردند. اهتمام این نشریه در انتشار پژوهش‌های علمی و ترویج دانش بومی، شایسته تقدیر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- امام خامنه‌ای، سید علی. **بیانات**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی).
- استادیان خانی، علیرضا و مولوی وردنجانی، عیسی (۱۳۹۹). بررسی نقش حوزه علمیه در ساخت بعد معرفتی تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، **نشریه علمی علم و تمدن در اسلام**، (۶)۲: ۹۱-۱۰۹.
- بابایی، عباس؛ باصری، احمد؛ ناظمی اردکانی، مهدی و مرادی، حجت‌الله (۱۳۹۶). تدوین راهبردهای تقویت کارکردهای هیئت‌های مذهبی با رویکرد ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج**، ۲۰(۷۵): ۶۲-۳۱.
- پابرجا، غلامرضا و مقصودی، مجتبی (۱۴۰۲). مداحی و سیاست‌ورزی در جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر مداحان و شاعران آیینی)، **ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، ۴(۴): ۳۱۶۱-۳۱۳۸.
- جوکار، عمار و انواری، محمدرضا (۱۴۰۲). پدیدارشناسی سرود سلام فرمانده، به‌عنوان یک روایت رتوریک، **مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه**، ۷(۲): ۷۷-۱۰۰.
- حاجی تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۹۸). نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از جرم: چالش‌ها و راهکارهای مقابله با آن، **پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)**، ۱۵(۵۴): ۶۸-۴۷.
- حسین‌آبفروش، رحیم (۱۴۰۳). داستان ما مردم (تجربه‌نگاری فرایند شکل‌گیری شبکه مردمی فعالان فرهنگی و ارائه راه‌کارهای ایجاد و گسترش کنشگری اجتماعی)، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- رشیدی آل هاشم، سید محمدرضا (۱۴۰۲). نقش تبلیغی روحانیون در اندیشه اسلام برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، **مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی**، ۳(۶): ۹۴-۶۰.
- زاده باقری، پیمان (۱۳۹۹). واکاوی نقش نهادهای مذهب‌پایه در توسعه اجتماع محله‌ای نمونه موردی: ششگلان، **فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی**، ۵(۲): ۴۹-۳۷.
- شریف فرد، علیرضا و لطیفی، میثم (۱۴۰۳). الگوی موفقیت نهادهای دینی؛ مورد مطالعه: مساجد موفق در عرصه تربیتی، **فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، ۲۵(۶۷): ۱۸۵-۱۴۱.
- فروهی، آرمان و عبدالمهدی، فاطمه (۱۴۰۳). طراحی مدلی برای نقش‌آفرینی روحانیون در تمدن‌سازی اسلامی بر اساس الگوی داده‌بنیاد، **فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی**، ۷(۲): ۳۱۲-۲۸۵.
- کفیلی، رضا و بهروزی لک، غلامرضا (۱۴۰۴). نقش روحانیت در گفتمان‌سازی حکمرانی عادلانه در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آرا و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، **نشریه آیین حکمرانی**

محمودی، ابوالقاسم؛ حبیبی، علی و جمراسی، داوود (۱۴۰۱). نقش مشارکت مردم در تحول حکمرانی، *حکمرانی متعالی*، ۲(۴): ۳۱-۴۶.

ملکی، یوسف و مقدمی شهیدانی، سهراب (۱۴۰۳). تحلیل شاخص‌های حکمرانی متعالی اسلامی در مذاکرات قانون اساسی در مقایسه با حکمرانی مطلوب، *حکمرانی متعالی*، ۵(۳): ۸۳-۱۰۴.

نوری گلجایی، عبدالله؛ نصیری، علی اصغر و سپهرکنکتن، محمدمهدی (۱۳۹۸)، نقش روحانیت در پیشبرد گام دوم انقلاب اسلامی، اولین همایش حکمرانی اسلامی، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

References

- Altschuler, D., & Corrales, J. (2013). **The promise of participation: Experiments in participatory governance in Honduras and Guatemala**. Springer.
- Camba, A. A. (2014). Participatory governance in the EU: Enhancing or endangering democracy and efficiency? *Governance: An International Journal of Policy, Administration and Institutions*, 27(3), 536-538.
- Dekker, K. & Kempen, R. (2004). Urban governance within the big cities policy journal of cities, Vol 21. pp 41-55.
- Halim, R. (2018). Collaborative governance model in the village fund management at Banggai Regency. *Asian Journal of Environment, History and Heritage*, 2(2).
- O'Brien, J., *Religious Rhetoric and American Politics*, Cornell University Press, 2018, p. 12
- Mays, N. & Pope, C. (2000) Assessing quality in qualitative research, *British Medical Journal*, 320:50-52. <https://doi.org/10.1136/bmj.320.7226.50>
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). **Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques** (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

